

Mashhad in Crisis: British Consulate's Confidential Reports (1908/1326 AH)

Farhad Rostami¹ 

1. PhD Candidate in History of Islamic Iran, Isfahan University, Isfahan, Iran. farhad.rostami5215@gmail.com
(Corresponding author)

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 8 April 2025

Received from revised: 29 April 2025

Accepted: 10 May 2025

Available online: 9 August 2025

Keywords:

Mashhad,
British Consulate,
Constitutional Reports,
Qajar Era,
Urban Crisis.

Abstract

Introduction

In 1908, the city of Mashhad experienced one of the most sensitive and turbulent periods of its history. That period was an era characterized by the consequences of the Constitutional Revolution, the weakness of central governmental authority of Qajar, increase of urban instability, and the enhance of foreign interventions. Mashhad's religious status as well as its strategic position in Eastern Iran and proximity to the areas of influence of Tsarist Russia, made this city the main focus for foreign consulates, especially the Great Britain.

The main aim of this study was to see how the British Consulate portrayed the socio-political, and security crises of Mashhad in its confidential reports, and what image these reports show about the status of governance, urban order, and power conflicts in Eastern Iran. It tried to critically explore these documents for better understanding of Mashhad's role in Iran's domestic and international relationships in early 20th century.

Materials and Methods

This study took a historical-analytical approach. The corpus of materials consists of confidential reports of the British Consulate, official correspondence, telegrams, and political documents pertaining to the year 1908. Content analysis was done on these documents and simultaneously the context of the political developments of Qajar Iran, the Anglo-Russian rivalry, and the specific conditions of Mashhad were considered.

In addition to the documents of this consulate, written historical sources and researches related to the Constitutional Revolution, the history of Mashhad, and British foreign policy in Iran were analyzed. Qualitative data analysis was applied to identify such concepts as insecurity, the crisis of sovereignty, the role of local actors, and Britain's geopolitical concerns.

Results

The findings showed that the British Consulate described Mashhad as a volatile, crisis-stricken city, susceptible to the uprising of the public. The reports highlight the

Cite this article: Rostami, F. (2025). Mashhad in Crisis: British Consulate's Confidential Reports (1908/1326 AH) (Author retain the copyright). *Journal of Documentary and Archival Studies*, 3(2), 97-115.



© Authors retain the copyright.

Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.

weakness of governmental forces, the inability to maintain public order, and the fragmentation of power among local authorities, the clergy, and informal armed groups. Moreover, the documents showed that Britain analyzed the developments of Mashhad not only as internal affairs, but also in the context of its competition with Russia. Accordingly, it interpreted any riot in Mashhad as a potential threat to the Britain's regional interests. These reports clearly describe the fragility of Qajar in Eastern Iran and the significance of the consulate in political decision-makings.

Discussion and Conclusion

The analysis of the British Consulate's confidential reports showed that the crisis of Mashhad in 1908 is the result of the convergence of internal and external factors. The weakness of the governmental structure, the consequences of the Constitutional Revolution, and the indirect interventions of foreign powers turned the urban space of Mashhad to an arena of instability and political rivalries.

This study showed that these reports not only reflected of reality but also were part of Britain's mechanism for influence and crisis management. Investigating these documents yields a better understanding of Mashhad's position in power relations, the role of information in foreign policy, and the limitations of Qajar sovereignty. At the end, this study showed that the crisis of Mashhad is an illustrative example of the challenges of Qajar state in maintaining urban authority in a period of political transition.



مشهد در بحران: گزارش‌های محرمانه کنسولگری بریتانیا (۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م)

فرهاد رستمی قهفرخی^۱

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، ایران. farhad.rostami5215@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۹

بازنگری: ۱۴۰۴/۲/۹

پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۰

انتشار: ۱۴۰۴/۵/۱۸

کلیدواژه‌ها:

مشهد،
گزارش‌های کنسولی بریتانیا،
بحران سیاسی،
انقلاب مشروطه،
دخالت خارجی.

در ۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م، شهر مشهد یکی از مهم‌ترین مراکز مذهبی و سیاسی ایران، درگیر بحران‌هایی بود که بازتابی از تحولات مشروطه، ضعف حاکمیت مرکزی و دخالت قدرت‌های خارجی به‌ویژه بریتانیا به شمار می‌آمد. پژوهش حاضر با تکیه بر گزارش‌های محرمانه کنسولگری بریتانیا در مشهد می‌کوشد به این پرسش‌های اصلی پاسخ دهد: ۱. بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشهد در این سال چه بودند و چه عواملی در بروز آن‌ها نقش داشتند؟ ۲. کنسولگری بریتانیا چگونه این بحران‌ها را تحلیل کرده و چه نقش یا مداخلاتی در تحولات داشته است؟ ۳. این اسناد چه تصویری از رابطه بین روحانیت، مردم، حاکم محلی و دولت مرکزی ارائه می‌دهند؟ این پژوهش بر پایه تحلیل محتوای گزارش‌های آرشیوی وزارت امور خارجه بریتانیا و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی وضعیت شهر مشهد در این برهه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که کنسولگری بریتانیا به‌عنوان ناظر فعال، نه تنها تحولات را ثبت و تحلیل نموده، بلکه در برخی موارد در هدایت یا تشدید آن‌ها نقش داشته است. اسناد مورد بررسی، نمایی منحصربه‌فرد از تقابل قدرت‌های داخلی و خارجی در آستانه حرم امام رضا (ع) ارائه می‌دهند.

استناد: رستمی قهفرخی، فرهاد؛ (۱۴۰۴). مشهد در بحران: گزارش‌های محرمانه کنسولگری بریتانیا (۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م). *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*، ۳ (۲)، ۹۷-۱۱۵.



نویسندگان

ناشر: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

مقدمه

در اوایل قرن بیستم میلادی، ایران درگیر تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای ناشی از فشارهای داخلی و خارجی بود. مشهد به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای مذهبی و تجاری ایران، نه تنها تحت تأثیر سیاست‌های دولت قاجار قرار داشت، بلکه صحنه رقابت‌های قدرت‌های خارجی، به ویژه بریتانیا و روسیه نیز بود. گزارش‌های محرمانه کنسولگری بریتانیا - از مجموعه اسناد کنسولی فایل شماره ۲۴۸ که در کتاب Iran political diary (۱۹۹۷) در چهارده مجلد منتشر شده است - در مشهد طی ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م، اسنادی ارزشمند از وضعیت حکمرانی، اقتصاد، تحولات اجتماعی و مداخلات خارجی در این دوره ارائه می‌دهند. پژوهش حاضر به بررسی این اسناد می‌پردازد تا نشان دهد چگونه کنسولگری بریتانیا تحولات داخلی مشهد و خراسان را رصد و تحلیل می‌کرد و در برخی موارد، خود به عاملی تأثیرگذار در این تحولات تبدیل می‌شد. مسئله اصلی این است که تا چه اندازه گزارش‌های کنسولی می‌توانند درک ما را از سیاست‌های داخلی و نفوذ خارجی در ایران دوره قاجار گسترش دهد. مطالعه این گزارش‌ها، نه تنها برای فهم ساختار حکمرانی در خراسان، بلکه برای تحلیل نقش قدرت‌های خارجی در مسائل داخلی ایران اهمیت دارد. این پژوهش می‌تواند به روشن شدن زمینه‌های تاریخی بحران‌های سیاسی و اقتصادی در ایران اواخر دوره قاجار کمک کند. این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که گزارش‌های کنسولگری بریتانیا در مشهد چه تصویری از وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این شهر در ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م ارائه داده و چگونه نقش بریتانیا را در تحولات منطقه‌ای بازتاب می‌دهند؟ فرض بر این است که گزارش‌های کنسولی نه تنها انعکاسی از شرایط داخلی ایران، بلکه ابزار سیاست‌ورزی بریتانیا در منطقه بودند. همچنین، ناکارآمدی ساختار اداری دوره قاجار در خراسان، به مداخله غیرمستقیم خارجی‌ها و تشدید بحران‌های محلی دامن زده است.

پیشینه پژوهش

مطالعه گزارش‌های کنسولی و تأثیر قدرت‌های خارجی بر ایران دوره قاجار، تاکنون در آثار متعددی بررسی شده است. در این بخش، به مهم‌ترین منابع مرتبط اشاره و تفاوت آن‌ها با این مقاله توضیح داده می‌شود. آدمیت (۱۳۴۹) در کتاب *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده* به بررسی اندیشه‌های روشنفکران عصر قاجار درباره اصلاحات و مداخلات خارجی می‌پردازد. هرچند به تأثیر قدرت‌های خارجی در ایران دوره قاجار اشاره دارد، اما به طور مشخص گزارش‌های کنسولی بریتانیا در مشهد را تحلیل نکرده است. فوران (۱۳۷۸) در کتاب *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران* به عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر نارضایتی‌های اجتماعی در ایران عصر قاجار می‌پردازد. هرچند نقش نیروهای خارجی را بررسی می‌کند، اما به گزارش‌های محرمانه کنسولگری بریتانیا در مشهد اشاره مستقیمی ندارد. ستبیز (۱۴۰۳) در کتاب *امپریالیسم بریتانیا در ایران در دوره قاجار* به بررسی تاریخ فرهنگی و اجتماعی مشهد و تأثیرات فرهنگی خاص بر روی جامعه محلی می‌پردازد. در مقابل این مقاله، بر روابط دیپلماتیک و سیاست‌های خارجی تمرکز دارد و جزئیات خاصی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن دوره را تحلیل می‌کند. بنابراین، تفاوت اصلی در تمرکز موضوعی و نوع اطلاعات ارائه شده در این دو منبع است. آبادیان (۱۳۸۵) در مقاله «سیاست انگلستان در دوره قاجار» به بررسی سیاست‌های کلی انگلستان در دوره قاجار و تأثیرات آن بر ایران به صورت عام‌تر می‌پردازد. در حالی که این مقاله بیشتر بر وقایع خاص و اسناد تاریخی مرتبط با کنسولگری بریتانیا و تأثیر آن بر مشهد تمرکز دارد. صحت‌منش (۱۴۰۱) در مقاله «انگیزه‌ها و اهداف تأسیس کنسولگری بریتانیا در مشهد در عصر قاجار» به بررسی دلایل و مقاصد سیاسی و اقتصادی تأسیس کنسولگری می‌پردازد، در حالی که این مقاله بیشتر بر رویدادهای خاص و اسناد مرتبط با بحران‌های تاریخی و تأثیرات آن‌ها تأکید دارد. در حقیقت، مقاله اول به تحلیل زمینه‌ای و دلایل تأسیس می‌پردازد، در حالی که مقاله دوم به وضعیت خاص تاریخی و اطلاعات محرمانه آن زمان توجه دارد. این دو مقاله از جنبه‌های متفاوتی به تاریخ کنسولگری بریتانیا در مشهد پرداخته‌اند. مرادی و همکاران

(۱۳۹۱) در مقاله «کنسولگری بریتانیا در مشهد و نقش آن در گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی انگلیسی‌ها در جنوب شرق ایران» تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و دموگرافیک دارد. در مقابل، این مقاله به تحلیل اسناد محرمانه و شرایط بحران سیاسی در آن سال خاص می‌پردازد. به این ترتیب، تمرکز موضوعی و محتوایی این دو مقاله متفاوت است، یکی بر نفوذ اجتماعی و دیگری بر بحران‌های سیاسی. تفاوت پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین و ضرورت آن برخلاف پژوهش‌های پیشین که یا به طور کلی به سیاست‌های بریتانیا در ایران پرداخته‌اند یا برخی اسناد را منتشر کرده‌اند، به طور اختصاصی به گزارش‌های کنسولی بریتانیا در مشهد (۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م) پرداخته و آن‌ها را از منظر تاریخی و سیاسی تحلیل می‌کند. همچنین، این پژوهش تلاش دارد با روش تطبیقی، این گزارش‌ها را با سایر منابع تاریخی مقایسه و میزان دقت، سوگیری و تأثیر آن‌ها را بررسی کند. ضرورت تحقیق در این است که تاکنون هیچ مطالعه مستقلاً گزارش‌های کنسولی مشهد در این بازه زمانی را تحلیل نکرده است. این مقاله می‌تواند به شناخت بهتر از نحوه عملکرد دیپلماسی بریتانیا در خراسان، نقش آن در منازعات داخلی و تأثیر سیاست‌های خارجی بر نارضایتی‌های اجتماعی آن دوره کمک کند.

روش پژوهش

شیوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها این پژوهش به روش تاریخی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق بررسی گزارش‌های کنسولی، اسناد تاریخی و منابع مکمل مانند خاطرات، روزنامه‌ها و تحلیل‌های تاریخی گردآوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها به روش تطبیقی صورت گرفته تا بتوان اعتبار و دقت گزارش‌های کنسولی را با دیگر منابع تاریخی سنجید. یکی از چالش‌های اصلی در این پژوهش، محدودیت دسترسی به تمامی اسناد کنسولی مرتبط و احتمال سوگیری در گزارش‌های دیپلماتیک بریتانیا است. همچنین، نبود منابع داخلی کافی برای مقایسه با این اسناد، تحلیل انتقادی آن‌ها را دشوار می‌سازد. با این حال، تلاش گردیده با استفاده از منابع مکمل، روایتی جامع و تحلیلی از وقایع آن دوره ارائه شود.

زمینه تاریخی و سیاسی مشهد در ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م

در اوایل قرن بیستم میلادی، ایران دوران پرتلاطمی را سپری می‌کرد. مشروطه که در ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م به پیروزی رسیده بود، تأثیرات گسترده‌ای در سراسر کشور از جمله خراسان داشت. این منطقه به دلیل بخورداری از موقعیت جغرافیایی و مذهبی، هم تحت تأثیر تغییرات سیاسی تهران قرار گرفت و هم شاهد کنش‌های مستقل سیاسی و اجتماعی بود. سرآرتور هاردینگ وزیرمختار بریتانیا در دربار ایران در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار در کتاب *خاطرات سیاسی* می‌نویسد: «ایرانیان و به ویژه خراسان از شکست روسیه در برابر ارتش ژاپن در ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۵م بسیار شادمان شدند چونکه سرتاسر استان‌های شمالی و شرقی ایران از آذربایجان تا ایالات ساحلی بحر خزر گرفته تا خراسان با روسیه هم‌مرز بود و به نظر می‌رسید با شکست روسیه کابوسی سیاه و سنگین از روی سینه ایرانیان برداشته شد و تمام مردم این کشور مثل این بود که دگرباره قدرت نفس کشیدن را پیدا کرده بودند». (هاردینگ، ۱۳۶۳: ۱۳۹) این واقعه باعث شد که انقلابی در ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م ایران را فراگیرد. اگرچه کارگردانان این نهضت به خوبی از عهده اداره آن برنیامدند، اما هدف اصلی نهضت به طور کلی از بین بردن حکومت استبدادی به شیوه نظام استبدادی روسیه بود. (همان: ۱۴۰)

در جریان بررسی گزارش‌های کنسولگری بریتانیا در مشهد، با مواردی مواجه می‌شویم که تصویر روشنی از تنش‌های سیاسی و اجتماعی آن دوره ارائه می‌دهند. این گزارش‌ها، افزون بر ثبت وقایع، دیدگاه مأموران بریتانیایی نسبت به اوضاع ایران و نیز چگونگی عملکرد نهادهای محلی را بازتاب می‌دهند. یکی از نمونه‌های قابل توجه، گزارشی درباره ناآرامی در انجمن ایالتی مشهد در ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م است که در آن به اختلافات داخلی انجمن، نقش نظامیان و نگرانی از افزایش قتل در ایالت اشاره دارد: «وضعیت مشهد آرام است ولی در ایالت قتل رو به ازدیاد است. در هفته گذشته دوم ماه آوریل

۱۹۰۸ میلادی اغتشاش مهمی در انجمن محلی روی داد. بنا بر تحریک بعضی از اعضای انجمن سربازها به بهانه نرسیدن حقوق، یکی از اعضای انجمن را که معروف به تجددخواهی است سخت کتک زدند. از قرار معلوم این شخص اصرار به تجدید انتخابات بر وفق ترتیب صحیحی داشته ولی سایر اعضای حالیه انجمن بر این باور بودند که همان رویه قبلی مناسب است». (بشیری، ۱۳۶۳: ۳۵۰/۱)

در ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م محمدعلی شاه قاجار که مخالف اساس مشروطیت بود، مجلس شورای ملی را به توپ بست و وکلا را تبعید و توقیف نمود و عده‌ای را کشت. «استاندار وقت مشهد، رکن‌الدوله^۱ مخالف تشکیلات ملی بود ولی قدرت به هم زدن آن را نداشت. فقط در دو محله از محلات مشهد در نوغان به سردستگی نایب علی اکبر حسنی و در سراب به سردستگی شجاع‌التولیه و نایب یوسف خان اسجیلی که بیگلربیگی^۲ وقت بود در قبال مشروطه خواهان لوای استبداد برافراشتند، ولی چون اهالی تمام محلات شهر حتی قسمت اعظم همان دو محله نوغان و سراب مشروطه‌خواه به شمار می‌رفتند، مجاهدین اطراف انجمن ایالتی را داشته و مجری دستورات انجمن ایالتی بودند. مستبدین از همان محله و کوچه خود نتوانستند تجاوز نمایند». (سیدقطبی، ۱۳۹۶: ۳۲-۳۳)

احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران توضیح می‌دهد که پس از تصویب قانون اساسی، گروه‌های مشروطه‌خواه در مشهد شکل گرفتند و برخی از مقامات محلی به حمایت از آن پرداختند، اما با به قدرت رسیدن محمدعلی شاه و مخالفت شدید او با مشروطه، سرکوب‌ها در خراسان افزایش یافت. (کسروی، ۱۳۶۳: ۲۷۸-۲۹۵) فریدون آدمیت در *ایدئولوژی نهضت مشروطه ایران* اشاره می‌کند که اندیشه‌های مشروطه‌خواهی از تهران به سایر استان‌ها، از جمله خراسان، منتقل شد و تجار و روحانیون مشهد از این جریان حمایت کردند، اما به دلیل نفوذ مقامات قاجاری و درگیری‌های داخلی، نهادهای مشروطه نتوانستند در این منطقه تثبیت شوند. (آدمیت، ۱۴۰۲: ۳۱۰-۳۲۲) مهدی ملک‌زاده نیز در *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* تأکید دارد که اگرچه مشروطه در مشهد با استقبال روبه‌رو شد، اما نیروهای وفادار به محمدعلی شاه و نفوذ روسیه در این منطقه، موجب سرکوب طرفداران مشروطه و محدودیت فعالیت‌های مجلس محلی شد. (ملک‌زاده، ۱۳۶۴: ۴۶۸-۴۵۶)

مشهد در دوره قاجار به دلیل برخورداری از جایگاه مذهبی و اقتصادی، از مهم‌ترین شهرهای ایران بود. وجود بارگاه امام رضا (ع) این شهر را به مرکز مهم مذهبی تبدیل نمود که مورد توجه علما و زائران داخلی و خارجی قرار داشت. همچنین، مشهد به دلیل موقعیت جغرافیایی، در مسیر تجاری خراسان و آسیای میانه قرار گرفته و نقش مهمی در تبادلات تجاری و سیاسی داشت. گاوین هامبلی در *تاریخ ایران کمبریج* توضیح می‌دهد که مشهد به دلیل ارتباط نزدیک خود با نهادهای مذهبی، در سیاست داخلی ایران تأثیر قابل توجهی داشت. (هامبلی، ۱۴۰۰: ۵۲۰-۵۳۲) بررسی دقیق‌تر اهمیت مشهد در سیاست داخلی ایران را می‌توان در کتاب *مشهد مقدس در گذر تاریخ* نوشته محمدی مقدم یافت. او اشاره می‌کند که این شهر نه تنها پایگاه علما و نیروهای مذهبی بود، بلکه یکی از مراکز قدرت محلی به شمار می‌رفت که همواره بین قدرت مرکزی و نیروهای محلی تعادل برقرار می‌کرد. (محمدی مقدم، ۱۳۹۰: ۳۴۰-۳۲۸) از سوی دیگر، کرزن در *ایران و قضیه ایران* به بررسی جایگاه مشهد در سیاست خارجی ایران پرداخته و توضیح می‌دهد که این شهر، به دلیل نزدیکی به مرزهای افغانستان و آسیای میانه، محل نفوذ قدرت‌های خارجی به ویژه روسیه و بریتانیا بود. (کرزن، ۱۳۷۳: ۲۴۱/۱)

در اوایل قرن بیستم میلادی، رقابت بین بریتانیا و روسیه در منطقه خراسان به اوج خود رسید. روسیه به دنبال گسترش نفوذ خود در شمال ایران، به ویژه خراسان بود و بریتانیا نگران از دسترسی روسیه به هند تلاش می‌کرد نفوذش را در این

۱. علی نقی میرزا ملقب به رکن‌الدوله شاهزاده قاجار و فرزند ارشد محمدتقی میرزا پسر محمدشاه قاجار بود.

۲. بیگلربیگی متصدی امور فرمانداری، شهرداری، شهربانی و امور مالیاتی و قاضی امور حقوقی و امور جزائی به میل و اراده خود بود. شخصاً حکم می‌کرد و مأمورین اجرا نیز عده‌ای از الواط‌های شهر، فراش‌های او بودند. (دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰: ۱۰۳۲)

منطقه حفظ کند. پیتر هاپکرک در بازی بزرگ: رقابت روسیه و بریتانیا در ایران، این رقابت را بررسی و نشان می‌دهد که چگونه این دو قدرت، با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی، تلاش داشتند کنترل مناطق مرزی ایران را در اختیار داشته باشند. (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۱۸۵-۲۰۰) آن لمبتون در کتاب سیاست ایران عصر قاجار تأکید دارد که روسیه و بریتانیا از طریق کنسولگری‌هایشان در مشهد، بر تصمیمات محلی تأثیر و در برخی موارد، مقامات ایرانی را تحت فشار قرار می‌دادند تا مطابق منافعشان عمل کنند. (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۸۰-۳۸۲) همچنین، کتاب ایران و استعمار انگلیس نشان می‌دهد که سیاست‌های بریتانیا در خراسان عمدتاً برای مهار نفوذ روسیه طراحی شده بود و حمایت از برخی نیروهای محلی و مقامات دولتی یکی از ابزارهای اصلی آن به شمار می‌رفت. (ایران و استعمار انگلیس، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۲۲۵)

با توجه به این تحولات می‌توان نتیجه گرفت که مشهد در ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م از نظر سیاسی و اجتماعی در وضعیت پیچیده‌ای قرار داشت. از یک سو، جریان مشروطه در این شهر تأثیراتی نهاده و گروه‌هایی به دنبال اجرای اصول مشروطه بودند. از سوی دیگر، نفوذ قدرت‌های خارجی، به ویژه روسیه و بریتانیا، موجب تنش‌های سیاسی گردیده و مقامات محلی نیز میان وفاداری به حکومت مرکزی و تعامل با این قدرت‌ها دچار کشمکش بودند. در ادامه، به بررسی ساختار، کارکردها و مأموریت‌های کنسولگری بریتانیا در مشهد پرداخته و نقش آن در تحولات سیاسی و اجتماعی این شهر تحلیل می‌گردد.

کنسولگری بریتانیا در مشهد: ساختار، کارکردها و مأموریت‌ها

معرفی کنسولگری بریتانیا در مشهد و اهداف آن: کنسولگری بریتانیا در مشهد از جمله مهم‌ترین نمایندگی‌های سیاسی و دیپلماتیک این کشور در ایران بود که در اواخر دوره قاجار، به ویژه در سال‌های منتهی به مشروطه، نقش فعالی در تحولات منطقه‌ای ایفا کرد. مشهد به دلیل موقعیت استراتژیک در شرق ایران و نزدیکی به مرزهای افغانستان و ترکمنستان، برای بریتانیا اهمیت ویژه‌ای داشت. حضور این کنسولگری بخشی از استراتژی گسترده‌تر بریتانیا برای مهار نفوذ روسیه در ایران و حفاظت از مسیرهای تجاری و ارتباطی به هند بود. (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۶۸-۳۷۵) از اهداف اصلی کنسولگری بریتانیا در مشهد می‌توان به جمع‌آوری اطلاعات در مورد تحركات روسیه، نظارت بر وضعیت اقتصادی و امنیتی منطقه، برقراری ارتباط با نیروهای محلی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های حکومت مرکزی اشاره کرد. پیتر هاپ کرک تأکید دارد که این کنسولگری‌ها نه تنها به عنوان مراکز دیپلماتیک، بلکه به عنوان نهادهای اطلاعاتی عمل می‌کردند که گزارش‌های مستمری درباره وضعیت ایران به لندن ارسال می‌نمودند. (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۲۱۰-۲۲۳)

جایگاه کنسول مشهد در سیاست‌های بریتانیا در ایران: کنسول مشهد یکی از مقامات کلیدی بریتانیا در ایران بود که در هماهنگی با سفارت بریتانیا در تهران و دیگر کنسولگری‌ها، سیاست‌های این کشور را در شرق ایران اجرا می‌کرد. این کنسول‌ها معمولاً از میان دیپلمات‌های با تجربه انتخاب می‌شدند و وظایف متعددی داشتند که شامل مذاکره با مقامات ایرانی، برقراری ارتباط با قبایل و نیروهای محلی و تنظیم گزارش‌های سیاسی و امنیتی می‌شد. (ایران و استعمار انگلیس، ۱۳۸۸: ۲۵۰-۲۶۲). کنسول مشهد، علاوه بر نقش دیپلماتیک، به عنوان ناظر و هماهنگ‌کننده فعالیت‌های بریتانیا در منطقه نیز عمل می‌کرد و گاه در تصمیم‌گیری‌های مهم داخلی ایران، به ویژه در مسائلی چون جمع‌آوری مالیات و سرکوب شورش‌ها، نقش غیررسمی داشت. (کرزن، ۱۳۷۳: ۲۸۰-۲۹۵) یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های کنسول مشهد، نظارت بر فعالیت‌های روسیه در خراسان بود. روس‌ها با استقرار کنسولگری در مشهد، نفوذ مشهودی در امور محلی داشتند و با برخی از مقامات قاجاری، به ویژه دربار تهران، روابط نزدیکی برقرار کرده بودند. بریتانیا از طریق کنسولگری خود در مشهد تلاش می‌کرد تا این نفوذ را کاهش داده و زمینه را برای تقویت موقعیت خود در منطقه فراهم کند. (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۸۲-۳۹۰)

روابط کنسولگری با حکومت محلی و دربار قاجار: از جمله جنبه‌های مهم فعالیت کنسولگری بریتانیا در مشهد،

تعامل آن با حکومت محلی و مقامات قاجاری بود. این روابط مبنی بر شرایط سیاسی ایران و اولویت‌های بریتانیا در منطقه، گاهی دوستانه و گاهی تنش‌آمیز بود. صحت‌منش اشاره می‌کند که کنسولگری بریتانیا معمولاً از نیروهای مخالف نفوذ روسیه در مشهد حمایت می‌کرد و در برخی موارد، از مقامات محلی برای پیشبرد منافع خود استفاده می‌نمود. (صحت‌منش، ۱۴۰۱: ۸) یکی از راه‌های تأثیرگذاری کنسولگری بر حکومت محلی، حمایت از تجار و صاحبان نفوذ در منطقه بود. این حمایت‌ها به شکل ارائه امتیازات تجاری، تأمین امنیت راه‌ها و حتی مداخله در برخی تصمیمات اداری انجام می‌شد. به عنوان مثال، در ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م یکی از گزارش‌های کنسولی نشان می‌دهد که بریتانیا در انتخاب برخی مقامات محلی مشهد تأثیرگذار بوده و از انتصاب افراد نزدیک به خود حمایت کرده است. (هامبلی، ۱۴۰۰: ۳۳۰-۵۴۲)

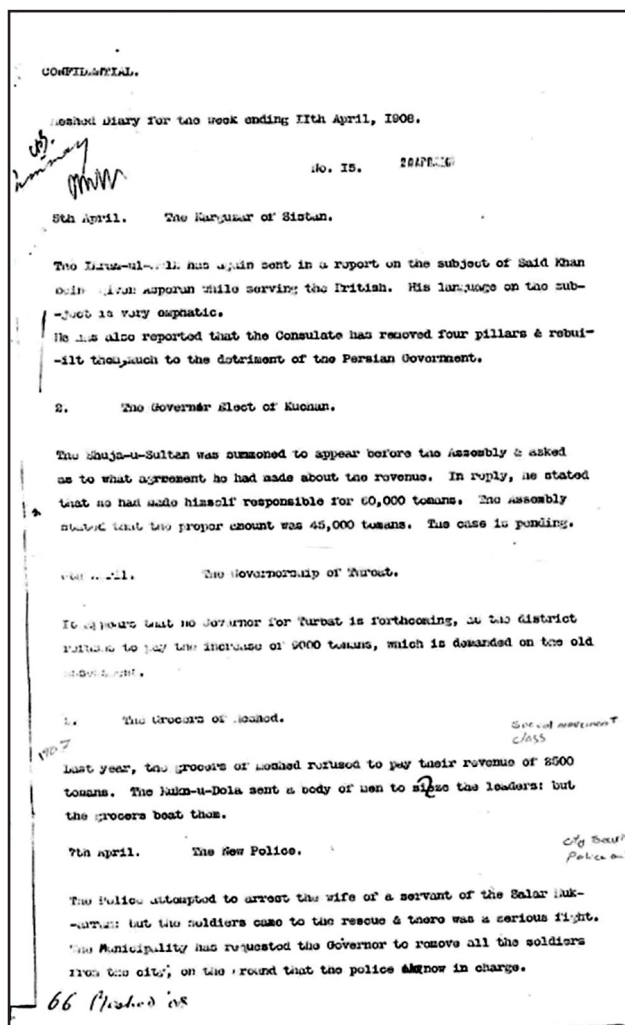
روابط کنسولگری با دربار قاجار نیز پیچیده بود. بریتانیا از یک سو به دنبال حفظ نفوذ خود در ایران و از سوی دیگر نمی‌خواست وارد درگیری مستقیم با روسیه شود. از این رو سعی می‌کرد با مقامات دربار قاجار، به‌ویژه وزیران مالیه و داخله، روابطی متعادل برقرار کند، اما در برخی موارد، سیاست‌های متناقض داخلی ایران و فشارهای روسیه باعث می‌شد که این روابط دچار تنش شود. برای مثال، در ماجرای ارسال گزارش‌های کارگزاران سیستان درباره نفوذ بریتانیا، مقامات ایرانی در تهران تحت فشار روس‌ها، واکنش منفی نشان دادند. (آدمیت، ۱۴۰۲: ۳۳۰-۳۴۲) در مجموع، کنسولگری بریتانیا در مشهد به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی این کشور، نقش مهمی در تحولات سیاسی و اقتصادی شرق ایران ایفا کرد. این نهاد نه تنها به عنوان یک مرکز دیپلماتیک، بلکه به عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های استعماری بریتانیا در رقابت با روسیه عمل نمود و از طریق تعامل با مقامات محلی و دربار قاجار، تلاش داشت نفوذ خود را در منطقه حفظ کند.

تحلیل محتوای گزارش‌های کنسولی مشهد در ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م

بررسی مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در گزارش‌ها: گزارش‌های کنسولی مشهد در ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م بازتابی از شرایط پیچیده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این شهر در دوره قاجار است. این گزارش‌ها که توسط سرهنگ سایکس، کنسول کل بریتانیا، تهیه شده‌اند، به مسائل مختلفی از جمله درگیری‌های سیاسی، تنش‌های اجتماعی، مشکلات مالیاتی، وضعیت نیروهای نظامی و امنیتی و رقابت قدرت‌های خارجی در مشهد پرداخته‌اند. مبنی بر ساختار این گزارش‌ها کنسولگری بریتانیا علاقه‌مند به نظارت دقیق بر تحولات داخلی ایران، به‌ویژه در مناطق مرزی و استراتژیک بوده است. همچنین نشان می‌دهد که برخی از مهم‌ترین مسائل آن دوران شامل درگیری‌های مالی و اقتصادی، اعتراض‌های اجتماعی، کشمکش‌های نظامی و امنیتی و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های خارجی، به‌ویژه بریتانیا و روسیه، در تحولات خراسان بوده است.

مسائل مالی و اقتصادی: یکی از موضوعات مهم در گزارش‌های کنسولی، مشکلات مالی و اقتصادی در مشهد است. در این اسناد اشاره شده که حکومت محلی با کمبود منابع مالی روبه‌رو بوده و در تلاش برای افزایش درآمد، مالیات‌های جدیدی وضع کرده است. از جمله، مجلس محلی مشهد از حاکم قوچان، شجاع‌السلطان، درباره میزان تعهد مالیاتی او جویا شده است. درحالی‌که او اظهار داشت مسئولیت ۶۰۰۰۰ تومان را برعهده گرفته، مجلس رقم صحیح را ۴۵۰۰۰ تومان اعلام کرد (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: پنجم آوریل ۱۹۰۸) (تصویر ۱) که نشان‌دهنده اختلافات جدی در جمع‌آوری و تخصیص مالیات‌هاست.

۱. از دکتر مرتضی نورائی که مجموعه اسناد کنسولی مستند در این مقاله را در اختیار اینجانب قرار داده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.



تصویر ۱: سند کنسولی شماره ۱۵: ۱۱ آوریل ۱۹۰۸ (سند کنسولی، شماره ۱۵: ۱۱ آوریل ۱۹۰۸)

همچنین، گزارش‌های کنسولی نشان می‌دهد که در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه، فساد مالی در ادارات دولتی مشهود و سوءاستفاده مقامات از درآمدهای عمومی امری رایج بوده است. مبنی بر گزارش‌ها، رئیس‌التجار ۵۰۰۰۰ تومان برای تعمیر جاده عشق‌آباد دریافت کرد، اما تنها ۱۴۰۰۰ تومان از این مبلغ را هزینه و بقیه توسط مقامات مختلف تصرف شد. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: هفتم آوریل ۱۹۰۸) در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه، شهر مشهد نیز همچون بسیاری دیگر از مناطق ایران با مشکلات عمیق مالی و اداری مواجه بود. اسناد کنسولی ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م تصویری روشن از این وضعیت ارائه می‌دهند؛ تصویری که در آن دولت محلی با کمبود شدید منابع مالی روبرو، نظام مالیاتی متزلزل و فساد اداری به پدیده‌ای رایج بدل شده است. در یکی از این گزارش‌ها به تلاش مجلس محلی مشهد برای شفاف‌سازی تعهدات مالیاتی اشاره گردیده است. مجلس از حاکم قوچان، شجاع‌السلطان، درباره میزان مالیاتی که باید بپردازد جويا می‌شود. در پاسخ، او رقم ۶۰۰۰۰ تومان را اعلام می‌کند، اما مجلس رقم واقعی را ۴۵۰۰۰ تومان می‌داند. همین اختلاف اعداد نشان می‌دهد که هیچ سازوکار روشنی برای حسابرسی مالی وجود نداشته و مقامات محلی می‌توانستند آمار را به دلخواه خود اعلام کنند. در گزارش دیگری موضوع فساد مالی به شکلی صریح‌تر آشکار می‌شود. رئیس‌التجار، فردی بانفوذ،

۵۰۰۰۰ تومان برای تعمیرات عشق آباد دریافت می‌کند، اما تنها ۱۴۰۰۰ تومان آن را خرج می‌کند. باقی این مبلغ، بنا به گزارش کنسولی، توسط مقامات مختلف «تصرف» شده است. این فقط یک نمونه از روندی است که به نظر می‌رسد در آن دوران امری رایج بود؛ سوءاستفاده از بودجه عمومی بی‌هیچ نظارت و پاسخ‌گویی.

اگرچه چنین شرایطی برای مردم مشهد دشوار و ناامیدکننده بود، اما دقیقاً همان بستر اجتماعی و سیاسی را فراهم کرد که زمینه‌ساز شکل‌گیری جنبش مشروطه شد. نبود شفافیت، فساد ساختاری و ناتوانی نهادهای محلی در اداره امور مالی، انگیزه‌ای جدی برای خواست عمومی به سوی قانون‌گرایی، محدودسازی قدرت مطلقه و ایجاد نهادهای نظارتی بود. درنهایت، این اسناد تنها گزارش‌هایی از گذشته نیستند، بلکه نمایش‌دهنده چگونگی تبدیل بی‌عدالتی و فساد به نیرویی برای تغییر اجتماعی محسوب می‌شوند. مشهد آن روز، با تمامی مصائب، بخشی از داستان بزرگ‌تری بود که در آن ملت ایران برای حق، عدالت و قانون تلاش کردند.

تش‌های اجتماعی و جنبش‌های اعتراضی: از دیگر موضوعات مطرح در گزارش‌های کنسولی، اعتراض‌های اجتماعی در مشهد است.

ازجمله مهم‌ترین این اعتراض‌ها، شورش بقالان مشهد در برابر پرداخت مالیات ۲۵۰۰ تومانی بود. بقالان که از اصناف مهم بازار محسوب می‌شدند، به دلیل افزایش فشارهای مالی از سوی حکومت محلی، از پرداخت مالیات سر خودداری کردند. تلاش رکن‌الدوله برای سرکوب این اعتراض با اعزام نیروهای نظامی بی‌نتیجه ماند، چراکه بقالان موفق به شکست نیروهای حکومتی شدند. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: ششم آوریل ۱۹۰۸) این اعتراض که نمونه‌ای از نارضایتی عمومی از ساختار مالیاتی ناعادلانه بود، نشان‌دهنده ضعف حکومت محلی در کنترل اوضاع و همچنین قدرت اصناف و گروه‌های اجتماعی در مشهد بود. چنین اعتراض‌هایی در سایر شهرهای ایران نیز رخ داد و بخشی از فضای کلی نارضایتی عمومی بود که به انقلاب مشروطه انجامید.

ناتوانی دولت محلی در اعمال قدرت بر گروهی از اصناف، از یک سو بیانگر افول اقتدار حکومت و از سوی دیگر، نشانگر تقویت شبکه‌های همبستگی صنفی و شکل‌گیری نوعی مقاومت مدنی در بطن جامعه شهری بود. این اعتراض تنها واکنشی به یک تصمیم مالیاتی نبود، بلکه نشانه‌ای از گسترش نارضایتی عمومی و گرایش به مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی محسوب می‌شد؛ پدیده‌ای که در امتداد و هم‌راستا با خواسته‌های مشروطه‌خواهان برای تحدید قدرت مطلقه، برقراری عدالت اجتماعی و تقویت حاکمیت قانون قابل فهم است. به این ترتیب، شورش بقالان مشهد را باید نه به عنوان رویدادی صرفاً اقتصادی، بلکه به مثابه یکی از حلقه‌های زنجیره تحولات اجتماعی ایران در مسیر گذار به مشروطیت تحلیل کرد.

درگیری نظامی و امنیتی: انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بود. به باور اکثر تاریخ‌نگاران، این جنبش نمادی از رشد و نوسازی به شمار می‌رفت. درعین حال، آنان تأکید می‌کنند که این رویداد در کشوری رخ داد که در آن زمان یکی از «عقب‌مانده‌ترین کشورهای» خاورمیانه محسوب می‌شد. این نگاه درواقع وضعیت اجتماعی و سیاسی ایران را با کشورهای همسایه مقایسه می‌کند. با این حال، در داخل کشور، همه شهرها به یک اندازه با شور و شوق به این جنبش ملحق نشدند. شهرهایی مانند تبریز و تهران به سرعت وارد میدان گردیده، اما شهرهای دیگر مشارکت متفاوتی داشتند. در این میان، مشهد، با وجود جایگاهش از نظر جمعیت، اقتصاد و موقعیت استراتژیک، با کندی به این جنبش پیوست. (Nouraei, 2000: 205) گزارش‌های کنسولی مشهد حاکی از آن است که وضعیت امنیتی شهر بسیار ناپایدار بوده و تنش‌های متعددی بین نیروهای مختلف رخ داده است. برای مثال، در یکی از گزارش‌ها اشاره شده که پلیس جدید مشهد تلاش کرد همسر یکی از خدمتکاران سالارالمکرم را دستگیر کند، اما این اقدام منجر به درگیری میان پلیس و سربازان شد. شدت درگیری به حدی بود که شهرداری مشهد از حاکم درخواست کرد تمامی سربازان را از شهر خارج کند، با این استدلال که پلیس باید مسئول امنیت شهر باشد. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: هفتم آوریل ۱۹۰۸)

علاوه بر این، گزارش‌های کنسولی نشان می‌دهند که راهزنان در مناطق مختلف شرق ایران، از جمله فارس، فعال بودند و نیروهای نظامی محلی، از جمله قائن و طبس، برای سرکوب آنان وارد عمل شدند. بریتانیا از این وضعیت نگران بود، زیرا امنیت مسیرهای تجاری و کاروان‌هایش را در منطقه مورد تهدید می‌دانست. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: هشتم آوریل ۱۹۰۸) درگیری میان پلیس جدید مشهد و نیروهای نظامی سنتی (سربازان) برای بازداشت همسر یکی از خدمتکاران سالارالمکرّم، چیزی فراتر از یک نزاع موردی است. این رویداد نشان‌دهنده تداخل و رقابت ساختارهای مختلف قدرت و مسئولیت در عرصه انتظامی و قضایی مشهد است. در این مقطع، حکومت قاجار با اجرای اصلاحات محدود، در صدد نوسازی نهادهای مدنی مانند پلیس شهری بود، اما این نهادهای نوپا هنوز از نظر اقتدار و مشروعیت جایگاه تثبیت‌شده‌ای نداشتند. از سوی دیگر، نیروهای سنتی مانند گاردهای شخصی و سربازان وابسته به بزرگان و درباریان، همچنان نفوذ بالایی داشتند و خود را بالاتر از قوانین شهری یا دستورات پلیس می‌دانستند. واکنش شهرداری که خواستار خروج کامل نیروهای سرباز از شهر شد، به وضوح بیانگر بحران در سلسله‌مراتب فرماندهی و نبود تفکیک نهادهای نظامی و مدنی است. در این میان، کنسولگری بریتانیا با دقت چنین تنش‌هایی را رصد می‌کرد، چراکه بی‌ثباتی امنیتی شهری نه تنها تهدیدی برای منافع انگلیس در شرق ایران بود، بلکه بهانه‌ای برای طرح مجدد ضرورت حضور و نفوذ خود در امور مشهد فراهم می‌کرد.

در گزارش روز بعد، به فعالیت راهزنان در مناطق شرقی، از جمله فارس و اقدامات سرکوب‌گرایانه نیروهای محلی قائن و طبس اشاره شده است. این وضعیت نمادی از فروپاشی نسبی اقتدار دولت مرکزی قاجار در مناطق حاشیه‌ای است. راهزنی و ناامنی جاده‌ها، به ویژه در مناطق شرقی ایران، یکی از نشانه‌های بارز ضعف ساختار سیاسی و نظامی حکومت بود؛ وضعیتی که امنیت تجارت، بازرگانان و کاروان‌ها و به ویژه منافع اتباع خارجی را به خطر می‌انداخت. همین مسئله از منظر بریتانیا به شدت نگران‌کننده بود، زیرا شرق ایران برای آن کشور به عنوان منطقه‌ای حیاتی در رقابت با روسیه و در مسیر هند تلقی می‌شد. در این گزارش، بریتانیا نه تنها یک ناظر بی‌طرف نبود، بلکه با برجسته‌سازی وضعیت امنیتی، سعی داشت اهمیت نقش نیروهای محلی همسو با منافع خود (مانند قائن و طبس) را در کنترل اوضاع نشان دهد و همزمان، زمینه‌چینی برای افزایش مشروعیت مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم در امور امنیتی شرق ایران انجام دهد. در مجموع، این دو گزارش، گویای دو سطح از بحران امنیتی هستند. یکی در قلب ساختار اداری و سیاسی مشهد که نشانه‌ای از نزاع نهادی و ناکارآمدی اصلاحات دولتی است و دیگری در مناطق پیرامونی که نشانه‌ای از گسست مرکز و حاشیه و بی‌اعتباری اقتدار رسمی حکومت در برابر تهدیدهای غیردولتی (راهزنان) است. برای بریتانیا، چنین فضایی نه تنها تهدید، بلکه فرصت نیز بود. فرصتی برای تحکیم جایگاه خود به عنوان «ناظر و حافظ نظم» در شرق ایران.

مداخلات خارجی و نقش بریتانیا در تحولات مشهد: از جمله محورهای اصلی گزارش‌های کنسولی، بررسی نقش قدرت‌های خارجی در تحولات مشهد است. بریتانیا و روسیه به عنوان دو قدرت استعماری عمده فعال، در منطقه خراسان رقابت تنگاتنگی با یکدیگر داشتند. کنسولگری بریتانیا در مشهد تحت رهبری سایکس، گزارش‌هایی درباره تحرکات روسیه در منطقه تهیه می‌کرد و در تلاش بود تا از افزایش نفوذ روسیه در منطقه جلوگیری کند. (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۸۲-۳۹۰) در واقع، کنسولگری بریتانیا در مشهد، نمایندگی سازمان اطلاعاتی انگلستان را هم عهده‌دار بود. دستگاه جاسوسی انگلستان در مشهد پیوسته از حرکت قوای روس در ترکستان و نیز درباره حرکات ظاهراً ناچیز افراد در خراسان خبر می‌داد: «تأسیس کنسولگری‌های روس و انگلیس در خراسان و سیستان جزئی از همان بازی مخفیانه سیاسی و جاسوسی بود. با تأسیس کنسولگری انگلیس در مشهد وظیفه آن پایش اوضاع آسیای میانه تا حدود سمرقند بود». (کاظم‌زاده، ۱۳۵۴: ۳۸۸-۳۸۹)

یکی از موضوعات مورد توجه کنسولگری بریتانیا، ارتباط مستقیم کارگزار سیستان با تهران بود. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: پنجم آوریل ۱۹۰۸) کنسولگری نگران بود که این ارتباط باعث شود گزارش‌های ضد بریتانیایی مستقیماً به مقامات

قاجاری ارسال شود. از این رو، کنسولگری بریتانیا سعی داشت نفوذش را در سیستم اداری محلی افزایش داده و مقامات قاجاری را به پذیرش دیدگاه‌های خود ترغیب کند. همچنین، در گزارش‌های کنسولی به این مسئله اشاره گردیده که شهرداری مشهد قصد داشت به کنسولگری‌ها هشدار دهد که در صورت امتناع افراد از ایستادن هنگام احضار پلیس، به سمت آنان شلیک خواهد شد. کارگزار مشهد این اقدام را برخلاف معاهدات دانسته و از اجرای آن خودداری کرد. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: دهم آوریل ۱۹۰۸) این ماجرا نشان‌دهنده حساسیت قدرت‌های خارجی نسبت به قوانین محلی و تأثیر مستقیم آنان بر سیاست‌های حکومتی بود. تحلیل گزارش‌های کنسولی مشهد در ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م بیانگر آن است که این اسناد نه تنها وضعیت داخلی شهر را بازتاب می‌دهند، بلکه رقابت‌های بین‌المللی، چالش‌های مالی و اقتصادی، تنش‌های اجتماعی و درگیری‌های نظامی را نیز منعکس می‌کنند. این گزارش‌ها حاکی از آن هستند که مشهد در آستانه تحولات بزرگی قرار داشت که بخشی از تغییرات گسترده‌تر ایران در دوره انقلاب مشروطه بود. بررسی این گزارش‌ها کمک می‌کند تا درک بهتری از شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در اوایل قرن بیستم میلادی حاصل شود.

واکنش‌های حکومت قاجار و قدرت‌های محلی به تحولات مشهد

نحوه تعامل مقامات محلی (حاکم خراسان، شجاع‌السلطان، نجدالسلطنه) با کنسولگری بریتانیا: در ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م، مشهد به دلیل موقعیت جغرافیایی و اهمیت مذهبی و سیاسی، یکی از کانون‌های اصلی تحولات ایران به شمار می‌رفت. مقامات محلی این شهر، از جمله شجاع‌السلطان (حاکم قوچان) و نجدالسلطنه، در تعامل پیچیده‌ای با کنسولگری بریتانیا قرار داشتند. این تعامل تحت تأثیر رقابت‌های قدرت‌های خارجی و اختلافات داخلی ایران قرار گرفته بود. یکی از موارد برجسته در گزارش‌های کنسولی این است که شجاع‌السلطان که از سوی حکومت مرکزی مسئول جمع‌آوری مالیات‌های خراسان بود، اعلام کرد که تعهد مالیاتی او ۶۰۰۰۰ تومان است، در حالی که مجلس محلی این رقم را ۴۵۰۰۰ تومان اعلام کرد. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: پنجم آوریل ۱۹۰۸) این مسئله نه تنها نشان‌دهنده اختلافات مالی و فساد اداری، بلکه بیانگر ضعف حکومت مرکزی در کنترل دقیق درآمدهای ایالات بود. از سوی دیگر، نجدالسلطنه به مثابه یکی از چهره‌های تأثیرگذار در اداره امور مشهد، در کشمکش میان وزیر داخله و وزیر مالیه قرار گرفت. گزارش‌های کنسولی نشان می‌دهند که وزیر مالیه دستور بازگرداندن نجدالسلطنه را به مشهد صادر کرد، اما وزیر داخله از صدور چنین دستوری اظهار بی‌اطلاعی نمود. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: هشتم آوریل ۱۹۰۸) این تضاد نشان‌دهنده آشفتگی در سیستم اداری قاجار و نبود هماهنگی میان مقامات مرکزی بود.

تعامل مقامات محلی با کنسولگری بریتانیا بیشتر در قالب ارائه اطلاعات و هماهنگی‌های اداری بود، اما در مواردی نیز شاهد نارضایتی مقامات ایرانی از نفوذ بریتانیا هستیم. برای مثال، کنسول بریتانیا از این مسئله ابراز نگرانی می‌کرد که کارگزار سیستم به جای هماهنگی با او، مستقیماً با تهران مکاتبه می‌کند. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: هفتم آوریل ۱۹۰۸) این موضوع نشان‌دهنده یکی از جنبه‌های مهم و کمتر آشکار شده روابط قدرت‌های استعماری با مقامات محلی در ایران دوره قاجار است؛ تلاش بریتانیا برای تثبیت جایگاه خود به عنوان واسطه و ناظر در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و اداری، حتی در حوزه‌هایی که رسماً در اختیار دولت مرکزی ایران بود. کنسول بریتانیا در مشهد از اینکه کارگزار سیستم مستقیماً با تهران مکاتبه داشته، ابراز نگرانی نمود. این واکنش به وضوح نشان می‌دهد که بریتانیا از کارگزاران ایرانی انتظار داشتند تا در مواردی که به نوعی به منافع یا حضور بریتانیا مربوط می‌شود، ابتدا با نماینده بریتانیا در منطقه هماهنگ کنند. چنین انتظاری فراتر از عرف دیپلماتیک و بیانگر نفوذ غیررسمی و درعین حال مؤثر کنسولگری بریتانیا بر روند تصمیم‌سازی در مناطق مرزی چون سیستان است. این وضعیت همچنین نمایانگر نوعی کشمکش پنهان میان حاکمیت ملی و نفوذ خارجی است. مقامات ایرانی در سطوح مختلف، گاه تلاش می‌کردند از طریق ارتباط مستقیم با مرکز (تهران) از فشار و

نفوذ کنسولگری بریتانیا بکاهند، اما این امر با واکنش منفی طرف انگلیسی مواجه می‌شد، چراکه هرگونه کاهش کارکرد موثر کنسول بریتانیا، به نوعی تضعیف موقعیت و نفوذ استراتژیک بریتانیا در شرق ایران تلقی می‌شد. در مجموع، این گزارش نشان می‌دهد که کنسولگری بریتانیا خود را نه فقط ناظر، بلکه بخشی از نظام تصمیم‌گیری منطقه‌ای می‌دانست و هرگونه کاهش نقش یا حذف از فرآیند اطلاع‌رسانی را تهدیدی برای جایگاه سیاسی‌اش تلقی می‌کرد. این امر، بخشی از واقعیت‌های تاریخی دوره قاجار است که در آن، مرز میان دیپلماسی و دخالت در امور داخلی ایران به شدت باریک شده بود.

عملکرد مجلس محلی و اختلافات مالی و اداری: مجلس محلی مشهد در این دوره نقشی دوگانه داشت. از یک سو به عنوان نهاد قانون‌گذار و ناظر بر مسائل مالی و اقتصادی عمل می‌کرد و از سوی دیگر، تحت تأثیر کشمکش‌های داخلی میان حکومت مرکزی و مقامات محلی بود. اختلافات بر سر جمع‌آوری مالیات، تخصیص درآمدها و نظارت بر عملکرد مأموران حکومتی از موضوعات مهمی بودند که در گزارش‌های کنسولی مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح شده در این گزارش‌ها، عدم تمایل مجلس محلی به اجرای دستور حکومت مرکزی مبنی بر تحویل ۳۰۰ قبضه تفنگ به زرادخانه بود. (اسناد کنسولی شماره ۱۵ دهم آوریل ۱۹۰۸) امتناع مجلس محلی مشهد از تحویل ۳۰۰ قبضه تفنگ به زرادخانه، نشانه‌ای آشکار از شکاف عمیق میان مرکز و پیرامون در ساختار سیاسی ایران دوره قاجار است. این امتناع نه فقط نافرمانی اداری، بلکه نوعی مقاومت سیاسی علیه اقتدار تهران تلقی می‌شود. مقاومتی که از سویی ناشی از احساس استقلال‌طلبی محلی و از سوی دیگر ناشی از بی‌اعتمادی به نیت یا کارآمدی حکومت مرکزی بود. این رفتار در بستر مشروطه و فضای نیمه‌آشفته پس از انقلاب ۱۳۲۵/۱۹۰۷م قابل فهم است، جایی که مجالس ایالتی و ولایتی تصور می‌کردند مشروعیت مردمی بیشتری از دربار دارند. امتناع از تحویل سلاح به مرکز می‌تواند نشان‌دهنده نوعی تمایل به خودمختاری امنیتی و دفاعی نیز باشد که در مناطقی مانند خراسان با موقعیت استراتژیک و مجاورت با قدرت‌های خارجی اهمیتی مضاعف پیدا می‌کرد. از دیگر موارد قابل توجه، فساد مالی گسترده در ادارات مشهد بود. برای نمونه، گزارش‌های کنسولی نشان می‌دهند که رئیس‌التجار مشهد که وظیفه بازسازی جاده عشق‌آباد را بر عهده داشت، مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان از دولت دریافت کرد، اما ۱۴۰۰۰ تومان از این مبلغ به این پروژه اختصاص یافت و باقی آن توسط مقامات مختلف تصرف شد. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: پنجم آوریل ۱۹۰۸)

گزارش مربوط به سوءاستفاده مالی رئیس‌التجار مشهد از بودجه بازسازی جاده عشق‌آباد نیز تصویری زنده از فساد ساختاری و نبود نظارت مؤثر در نظام مالی حکومت قاجار ارائه می‌دهد. از مجموع ۵۰۰۰۰ تومان بودجه اختصاص یافته، تنها ۱۴۰۰۰ تومان صرف پروژه شد و باقی، میان مقامات مختلف از جمله عین‌الدوله تقسیم گردید. این الگوی رایج در تخصیص منابع عمومی در آن دوره بود که در آن پروژه‌های عمرانی نه برای توسعه منطقه، بلکه برای تأمین منافع گروهی خاص از نخبگان سیاسی و اقتصادی به کار گرفته می‌شد. مهم‌تر از همه، حتی همان مبلغ صرف شده نیز بنا بر گزارش کنسولگری، واقعاً برای جاده خرج نشد؛ مسئله‌ای که بر عمق بحران کارآمدی، نبود پاسخ‌گویی و عدم شفافیت در ساختار حکمرانی تأکید می‌کند. این دو نمونه، در کنار هم، تصویری از یک ساختار سیاسی و اداری ناکارآمد، مستعد فساد و بی‌اعتماد به مرکز را در مشهد ۱۳۲۶/۱۹۰۸م به نمایش می‌گذارند. بریتانیا که از نزدیک این تحولات را رصد می‌کرد، بی‌تردید چنین نشانه‌هایی از ضعف را نه تنها تهدید، بلکه فرصتی برای تعمیق نفوذ خود و تضعیف اقتدار تهران در خراسان ارزیابی می‌کرد. گزارش‌های کنسولی درواقع، سندهایی هستند که لایه‌های درونی بحران مشروعیت و کارکرد دولت قاجار را از منظری بیرونی و با دقتی مشهود بازتاب می‌دهند.

رابطه حکومت مرکزی با وضعیت مشهد و گزارش‌های کنسولی: در آغاز قرن بیستم میلادی، حکومت مرکزی ایران با مجموعه‌ای از بحران‌ها مواجه بود که کنترل ولایات را برای آن دشوار می‌ساخت. عواملی همچون انقلاب مشروطه، بحران‌های مالی، نفوذ روزافزون قدرت‌های خارجی و شورش‌های داخلی موجب تضعیف اقتدار دولت مرکزی و کاهش

توان نظارت آن بر مناطق دورافتاده‌ای نظیر خراسان شده بودند. یکی از موضوعاتی که در گزارش‌های کنسولی به آن پرداخته شده، کشمکش میان حکومت مرکزی و مقامات محلی برای مدیریت منابع مالی و نظامی مشهد است. به عنوان نمونه، در گزارش‌های کنسولی ذکر شده که وزیر مالیه از فرماندار کل خراسان خواست تا نجدالسلطنه را بازگرداند، اما وزیر داخله صدور چنین دستوری را تکذیب کرد. (اسناد کنسولی، شماره ۱۵: هشتم آوریل ۱۹۰۸) این تناقضات نشان دهنده عدم انسجام در تصمیم‌گیری‌های دولتی و ضعف ارتباطات میان تهران و مقامات محلی بود. علاوه بر این، سیاست‌های حکومت مرکزی در برخورد با اعتراضات مردمی، از جمله شورش بقالان مشهد، ناکارآمد بود. رکن الدوله که به عنوان یکی از مقامات ارشد مشهد مسئول سرکوب اعتراضات بود، نیروهایی را برای دستگیری رهبران بقالان اعزام کرد، اما این اقدام با شکست مواجه شد. (اسناد کنسول، شماره ۱۵: ششم آوریل ۱۹۰۸) عدم توانایی حکومت در سرکوب این اعتراضات، ضعف ساختاری آن را آشکار نمود و در نهایت به گسترش نافرمانی‌های مدنی منجر شد. همچنین، دستور مجلس تهران مبنی بر تحویل ۳۰۰ تفنگ به زرادخانه و امتناع مجلس محلی از اجرای این دستور، نشان دهنده کاهش نفوذ دولت مرکزی در مشهد بود. این مسئله باعث نگرانی کنسولگری بریتانیا شد، زیرا ضعف حکومت مرکزی می‌توانست منجر به افزایش نفوذ روسیه در خراسان شود. واکنش‌های حکومت قاجار و مقامات محلی به تحولات مشهد در ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م نشان دهنده بحران عمیق در ساختار سیاسی ایران بود. حکومت مرکزی قادر به اعمال کنترل کامل بر امور مالی و نظامی مشهد نبود و مقامات محلی نیز برای حفظ موقعیت خود، سیاست‌های دوگانه‌ای را انتخاب کرده بودند. در این میان، کنسولگری بریتانیا با دقت این تحولات را زیر نظر داشت و به دنبال استفاده از ضعف‌های داخلی ایران برای تقویت نفوذ خود بود. بررسی این واکنش‌ها نشان می‌دهد که بحران‌های اداری، مالی و نظامی در مشهد، بخشی از مشکلات گسترده‌تری بودند که در نهایت به تضعیف حکومت قاجار و افزایش دخالت‌های خارجی در ایران انجامیدند.

نقش و تأثیر کنسولگری بریتانیا بر سیاست‌های محلی

بررسی مداخلات مستقیم و غیرمستقیم بریتانیا در امور مشهد: کنسولگری بریتانیا در مشهد در اوایل قرن بیستم میلادی نقشی فراتر از یک نهاد دیپلماتیک داشت و به عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع استعماری بریتانیا در شرق ایران عمل می‌کرد. گزارش‌های کنسولی بریتانیا در ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م نشان می‌دهند که این کنسولگری در مسائل اقتصادی، نظامی و حتی امنیتی مشهد مداخله داشت و تلاش می‌کرد تحولات منطقه را به سود خود هدایت کند. یکی از نمونه‌های بارز این مداخلات، نظارت کنسولگری بر فعالیت‌های مالی و تجاری مشهد بود. در یکی از گزارش‌ها، کنسولگری اشاره می‌کند که رئیس‌التجار مشهد ۵۰۰۰۰ تومان از دولت ایران برای تعمیر جاده عشق‌آباد دریافت کرده، اما تنها ۱۴۰۰۰ تومان از آن هزینه شده است. (اسناد کنسولی شماره ۱۵: هفتم آوریل ۱۹۰۸) این نظارت بر امور مالی محلی، نشان دهنده تلاش بریتانیا برای کنترل منابع اقتصادی و زیرساخت‌های ارتباطی منطقه بود. مداخله در امور نظامی و امنیتی نیز از دیگر جنبه‌های نقش‌آفرینی بریتانیا در مشهد بود. برای مثال، گزارش‌های کنسولی نشان می‌دهند که نیروهای نظامی محلی از اجرای دستورات دولت مرکزی برای تحویل سلاح به زرادخانه خودداری کردند. این امر علاوه بر اینکه نشانه ضعف دولت قاجار در کنترل نظامی خراسان بود، احتمالاً تحت تأثیر سیاست‌های بریتانیا نیز قرار داشت که به دنبال تضعیف حکومت مرکزی و افزایش وابستگی ایالات به خود بود. علاوه بر این، کنسولگری در تحولات اجتماعی و اعتراضات محلی نیز نقش غیرمستقیمی داشت. در مورد اعتراض بقالان مشهد، گزارش‌های کنسولی حاکی از آن است که این گروه به دلیل مالیات‌های سنگین به اعتراض پرداخته و توانستند نیروهای اعزامی حکومت را شکست دهند. درحالی‌که گزارش‌های داخلی این اعتراض را حرکتی اقتصادی و معیشتی می‌دانند، گزارش‌های کنسولی آن را به ضعف دولت و افزایش بی‌نظمی در مشهد ارتباط می‌دهند. (محمدی مقدم، ۱۳۹۰: ۲۳۲) این تفاوت دیدگاه نشان می‌دهد که کنسولگری بریتانیا سعی داشت از ناآرامی‌های

محلی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند.

تأثیر گزارش‌های کنسولی بر سیاست‌گذاری‌های دولت بریتانیا: ازجمله مهم‌ترین کارکردهای کنسولگری بریتانیا در مشهد، ارسال گزارش‌های منظم دربارهٔ اوضاع خراسان به دولت بریتانیا بود. این گزارش‌ها به عنوان یکی از منابع کلیدی برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی و استراتژیک لندن مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در بسیاری از این گزارش‌ها بر بی‌ثباتی دولت مرکزی ایران و افزایش نفوذ روسیه در خراسان تأکید شده است. به عنوان مثال، کنسولگری بریتانیا در یکی از گزارش‌ها به این نکته اشاره می‌کند که دولت ایران به دلیل مشکلات مالی و فساد گسترده، قادر به کنترل ولایات شرقی نیست و این شرایط، فرصت مناسبی را برای قدرت‌های خارجی فراهم می‌کند. (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۸۲-۳۹۰) این نوع گزارش‌ها باعث شد که دولت بریتانیا سیاست‌هایش را در قبال ایران بازبینی کند. در برخی موارد، بریتانیا تلاش نمود تا نفوذ خود را از طریق حمایت از برخی مقامات محلی افزایش دهد. برای مثال، گزارش‌های کنسولی نشان می‌دهند که بریتانیا از برخی اقدامات نجدالسلطنه، یکی از مقامات محلی، حمایت ضمنی می‌کرد، درحالی‌که حکومت مرکزی ایران از عملکرد او ناراضی بود. همچنین، اطلاعات ارائه شده توسط کنسولگری تأثیر مستقیمی بر سیاست‌های تجاری و اقتصادی بریتانیا در ایران داشت. بر اساس این گزارش‌ها، دولت بریتانیا تصمیم گرفت نفوذ خود را در مسیرهای تجاری خراسان و جاده‌های منتهی به آسیای مرکزی افزایش دهد. این سیاست در راستای مقابله با نفوذ اقتصادی روسیه در منطقه بود و منجر به سرمایه‌گذاری‌های بیشتر بریتانیا در حوزه حمل‌ونقل و تجارت شد. (هامبلی، ۱۴۰۰: ۵۳۵-۵۴۲)

مقایسه گزارش‌های کنسولی با واقعیت‌های ثبت شده در منابع داخلی: یکی از چالش‌های مهم در تحلیل گزارش‌های کنسولی بریتانیا، مقایسه آن‌ها با منابع داخلی ایران است. در بسیاری از موارد، گزارش‌های کنسولی دارای جهت‌گیری خاصی هستند که با واقعیت‌های ثبت شده در منابع داخلی تفاوت دارد. برای مثال، درحالی‌که گزارش‌های کنسولی مشهد بر بی‌نظمی و ضعف حکومت قاجار تأکید می‌کنند، منابع داخلی مانند خاطرات رجال ایرانی و اسناد دولتی، به اقدامات دولت در راستای اصلاحات مالی و کنترل اوضاع اشاره دارند. نمونه‌ای از این تفاوت‌ها را می‌توان در مسئله مالیات‌های خراسان مشاهده کرد. (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۷۰۶/۱) انگلیسی‌ها با استفاده از نیرنگ‌های سیاسی، شور و حرارت مذهبی، استفاده از مبلغان و کشیشان و حتی مبلغان آمریکایی بین مقامات محلی اختلاف ایجاد می‌کردند تا به منافع خود دست یابند. (بشیری، ۱۳۶۳: ۹۶۸/۴؛ اوین، ۱۳۶۲: ۲۳۹) گزارش‌های کنسولی ادعا می‌کنند که فساد گسترده‌ای در بخش مالیات وجود داشته و مقامات محلی مبالغ زیادی را تصاحب کرده‌اند، اما منابع ایرانی مانند اسناد دیوانی نشان می‌دهند که بخشی از این مالیات‌ها صرف هزینه‌های نظامی و اداری شده است. (محمدی‌مقدم، ۱۳۹۰: ۳۴۵-۳۴۸) همچنین، در زمینه مسائل اجتماعی و اعتراضات، گزارش‌های کنسولی بیشتر بر بی‌ثباتی و خطر شورش‌های مردمی تأکید دارند، درحالی‌که منابع داخلی این اعتراضات را نتیجه مشکلات اقتصادی و نارضایتی‌های عمومی می‌دانند. برای مثال، در مورد اعتراض بقالان مشهد، گزارش‌های کنسولی بر ضعف دولت در مدیریت بحران تأکید دارند، اما منابع داخلی آن را به افزایش فشارهای مالی و افزایش مالیات‌ها مرتبط می‌دانند. (ایران و استعمار انگلیس، ۱۳۸۸: ۲۷۰-۲۸۵) در مجموع، مقایسه گزارش‌های کنسولی با منابع داخلی نشان می‌دهد که کنسولگری بریتانیا در مشهد نه تنها به عنوان یک نهاد دیپلماتیک، بلکه به عنوان یک ابزار سیاسی برای هدایت سیاست‌های بریتانیا در ایران عمل می‌کرد. تحلیل این گزارش‌ها در کنار منابع داخلی، به درک بهتری از نقش و تأثیر بریتانیا در تحولات محلی مشهد در اوایل قرن بیستم میلادی کمک می‌کند.

تحلیل انتقادی گزارش‌های کنسولی و میزان سوگیری آن‌ها

بررسی اعتبار و دقت گزارش‌ها از منظر تاریخی: گزارش‌های کنسولی بریتانیا در مشهد مربوط به ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م، یکی

از منابع مهم برای مطالعه تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دوره است. این اسناد توسط نمایندگان رسمی بریتانیا تدوین و به دولت مرکزی در لندن ارسال می‌شدند. از این رو می‌توان آن‌ها را گزارش‌هایی مستند و منظم تلقی کرد. با این حال، اعتبار و دقت این گزارش‌ها از منظر تاریخی نیاز به بررسی دارد. یکی از مسائل مهم در تحلیل این گزارش‌ها، نوع منابع اطلاعاتی مورد استفاده توسط کنسولگری است. بسیاری از داده‌های ارائه شده در این اسناد مبتنی بر مشاهدات شخصی کنسول یا اطلاعاتی است که از مقامات محلی، تجار و افراد بانفوذ دریافت شده است. این موضوع احتمال سوگیری را افزایش می‌دهد، زیرا این منابع ممکن است منافع خاص خود را دنبال کرده و اطلاعات را به نحوی ارائه دهند که متناسب با منافع آن‌ها باشد. (لمبتون، ۱۳۷۵: ۳۹۸-۴۰۵) علاوه بر این، برخی از این گزارش‌ها به وضوح دارای لحن منفی نسبت به حکومت قاجار و مقامات محلی هستند. برای مثال، بارها بر بی‌کفایتی دولت در مدیریت مالیات‌ها و ناتوانی در کنترل نظم عمومی تأکید شده است، در حالی که منابع داخلی مانند اسناد دیوانی دولت ایران نشان می‌دهند که حکومت مرکزی تلاش‌هایی برای اصلاح ساختار مالی و اداری انجام داده است. (ایران و استعمار انگلیس، ۱۳۸۸: ۲۸۰-۲۹۵)

احتمال وجود جهت‌گیری‌های سیاسی در این اسناد: یکی از مهم‌ترین نقدهایی که به گزارش‌های کنسولی وارد می‌شود، احتمال سوگیری سیاسی در تدوین این اسناد است. بریتانیا در این دوره یکی از قدرت‌های استعماری بزرگ بود که در رقابت با روسیه تلاش داشت نفوذ خود را در ایران، به ویژه در مناطق شرقی و شمال شرقی، حفظ کند. در این راستا، گزارش‌های کنسولی می‌توانند بازتابی از سیاست‌های استعماری بریتانیا باشند. برای مثال، گزارش‌ها معمولاً بر بی‌ثباتی ایران و ضعف حکومت قاجار تأکید دارند و این کشور را به عنوان دولتی ناتوان در اداره امور معرفی می‌کنند. این در حالی است که این روایت می‌تواند توجیهی برای افزایش مداخلات بریتانیا در امور داخلی ایران باشد. از سوی دیگر، در برخی موارد، گزارش‌های کنسولی به شکلی تنظیم شده‌اند که تهدید روسیه را پررنگ‌تر از آنچه در واقعیت بود، نشان دهند. هدف از این کار، متقاعدسازی دولت بریتانیا برای افزایش حضور و نفوذ در ایران بوده است. (هایپرک، ۱۳۷۹: ۲۳۵-۲۴۸) همچنین، در مواردی که منافع بریتانیا در خطر بود، گزارش‌ها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که تصویری از بحران ارائه دهند. به عنوان مثال، در موضوع اعتراض بقالان مشهد، گزارش‌های کنسولی این رویداد را به عنوان نشانه‌ای از ناتوانی دولت در کنترل شهرها و ضعف نیروی انتظامی معرفی کرده‌اند، در حالی که اسناد داخلی نشان می‌دهد که این اعتراض‌ها بیشتر جنبه اقتصادی داشته و ناشی از افزایش مالیات‌ها بوده است. (محمدمدی مقدم، ۱۳۹۰: ۳۴۵-۳۵۸)

مقایسه با دیگر منابع تاریخی برای بررسی صحت اطلاعات: برای ارزیابی دقت و صحت گزارش‌های کنسولی، مقایسه آن‌ها با منابع داخلی و دیگر اسناد تاریخی ضروری است. در بسیاری از موارد، گزارش‌های کنسولی با منابع داخلی ایران تفاوت‌هایی دارند که نشان‌دهنده سوگیری یا تغییر در روایت واقعی رویدادها است. به عنوان مثال، در یکی از گزارش‌های کنسولی به مسئله فساد مالی در مشهد اشاره و ادعا شده است که رئیس‌التجار ۵۰۰۰۰ تومان برای تعمیر جاده عشق‌آباد دریافت نموده، اما بخش زیادی از این مبلغ تصاحب شده است. این گزارش در حالی ارائه گردیده که اسناد مالی دولت ایران نشان می‌دهد این مبلغ بخشی از یک برنامه بازسازی گسترده‌تر بوده و هزینه‌های دیگری نیز در این پروژه دخیل بوده است. (شمیم، ۱۳۷۰: ۶۷) علاوه بر این، گزارش‌های کنسولی معمولاً بر نقش نیروهای خارجی در بی‌ثباتی ایران تأکید دارند، اما منابع ایرانی نشان می‌دهند که بسیاری از مشکلات اقتصادی و امنیتی ناشی از بحران‌های داخلی، ضعف ساختار مالی و نارضایتی‌های اجتماعی بوده است. برای مثال، در اسناد مجلس شورای ملی به مشکلات اقتصادی و بدهی‌های دولت اشاره شده که بر میزان مالیات‌ها تأثیر نهاده و موجب اعتراض‌های مردمی شده است. (هامبلی، ۱۴۰۰: ۵۴۲-۵۵۰) در مجموع، تحلیل انتقادی گزارش‌های کنسولی نشان می‌دهد که این اسناد، با وجود ارزش تاریخی بالا، دارای سوگیری‌های سیاسی و دیپلماتیک هستند. مقایسه آن‌ها با منابع داخلی و دیگر اسناد تاریخی، به پژوهشگران کمک می‌کند تا تصویری جامع‌تر و دقیق‌تر از تحولات مشهد در ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م به دست آورند.

نتیجه

مطالعه گزارش‌های کنسولی بریتانیا در مشهد مربوط به ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م نشان داد که این اسناد، علاوه بر ارائه اطلاعات ارزشمند دربارهٔ اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خراسان در دورهٔ قاجار، بازتاب‌دهندهٔ سیاست‌های استعماری بریتانیا در این منطقه نیز هستند. مبنی بر یافته‌ها، کنسولگری بریتانیا در مشهد تنها یک نهاد دیپلماتیک صرف نبود، بلکه در برخی موارد نقش مهمی در تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه ایفا می‌کرد. ازجمله نکات کلیدی در این تحقیق، بررسی میزان دقت و اعتبار گزارش‌های کنسولی بود. مقایسه این اسناد با منابع داخلی ایران و دیگر منابع تاریخی نشان داد که در برخی موارد، گزارش‌ها دارای سوگیری‌های سیاسی بوده و واقعیت‌ها را به گونه‌ای منعکس کرده‌اند که با منافع بریتانیا همخوانی داشته باشد. به عنوان مثال، تأکید بیش از حد بر بی‌کفایتی حکومت قاجار و بحران‌های امنیتی در مشهد می‌توانست توجیهی برای افزایش مداخلهٔ بریتانیا در امور داخلی ایران باشد. از سوی دیگر، گزارش‌ها بر تهدید نفوذ روسیه در شرق ایران تأکید داشتند که این مسئله نیز می‌توانست در راستای منافع استعماری بریتانیا مطرح شده باشد. گزارش‌های کنسولی بریتانیا با وجود سوگیری‌های احتمالی، همچنان یکی از منابع ارزشمند برای مطالعه تاریخ خراسان و مشهد در دورهٔ قاجار محسوب می‌شوند. این اسناد اطلاعات دقیقی دربارهٔ وضعیت اقتصادی، میزان مالیات‌ها، مشکلات مالی حکومت محلی، اعتراضات اجتماعی و روابط قدرت‌های خارجی با مقامات محلی ارائه می‌دهند. همچنین، این گزارش‌ها می‌توانند به درک بهتر شبکه‌های نفوذ بریتانیا در ایران و چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر سیاست‌های داخلی کمک کنند. علاوه بر این، گزارش‌های کنسولی فرصتی برای مقایسه دیدگاه‌های خارجی با منابع داخلی ایران فراهم می‌آورند. بررسی تطبیقی این اسناد با اسناد دولتی، گزارش‌های مجلس شورای ملی و منابع تاریخی دیگر می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا تصویری جامع‌تر و بی‌طرفانه‌تر از تحولات تاریخی این دوره به دست آورند.

منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۴۹). اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده. تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون. (۱۴۰۲). ایدئولوژی نهضت مشروطه ایران. تهران: گستره.
- آبادیان، حسین. (۱۳۸۵). «سیاست انگلستان در دورهٔ قاجار». تاریخ روابط خارجی. (شماره ۲۹)، ۲۳۷-۲۴۹.
- اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). ایران امروز ۱۹۰۶-۱۹۰۷م. ترجمه، حواشی و توضیحات علی اصغر سعیدی. تهران: کتابفروشی زوار.
- ایران و استعمار انگلیس (مبارزه، مقاومت و پیروزی). (۱۳۸۸). تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- بشیری، احمد. (۱۳۶۳). کتاب آبی؛ گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران. تهران: نشر نو.
- دایره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۷۰). مدخل بیگلربیگی. به کوشش کاظم موسوی بجنوردی. جلد ۴. مرکز نشر دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ستینز، اچ. لیمن. (۱۴۰۳). امپریالیسم بریتانیا در ایران دورهٔ قاجار: کنسول‌ها، کارگزاران و نفوذ در خاورمیانه. ترجمه شهلا طهماسبی. تهران: چشمه.
- سید قطبی، سید مهدی؛ فریدونی، حسنعلی. (۱۳۹۶). تاریخ معاصر مشهد به روایت محمد احتشام کاویانیان: از انقلاب مشروطیت تا سال ۱۳۴۰ شمسی. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۰). ایران در دورهٔ سلطنت قاجار. تهران: علمی.

- صحت منش، رضا. (۱۴۰۱). «انگیزه‌ها و اهداف تأسیس کنسولگری بریتانیا در مشهد در عصر قاجار». *تاریخ اسلام و ایران*. (شماره ۱۴۳)، ۱۰۱-۱۲۷.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- فوران، جان. (۱۳۷۸). *تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا.
- کاظم‌زاده، فیروز. (۱۳۵۴). *روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴-۱۸۶۴)*، پژوهشی دربارهٔ امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری فرانکلین.
- کرزن، جرج. ن. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: علمی فرهنگی.
- کسروی، احمد. (۱۳۶۳). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
- لمبتون، آن. (۱۳۷۵). *ایران عصر قاجار: ترجمه و گفتاری در باب ایران‌شناسی*. ترجمه سیمین فصیحی. تهران: جاودان خرد.
- مرادی، مسعود؛ همکاران. (۱۳۹۱). «کنسولگری بریتانیا در مشهد و نقش آن در گسترش نفوذ انگلیسی‌ها در جنوب شرق ایران». *پژوهش در تاریخ*. (شماره ۶)، ۱۷-۳۲.
- ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۸۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: سخن.
- نورائی، مرتضی. (۱۳۸۶). *نقش کارگزاری‌های داخلی وزارت امور خارجه در روابط ایران و بریتانیا (۱۹۲۸-۱۸۹۰م/۱۳۴۶-۱۳۰۸ق)*. تهران: وزارت امور خارجه.
- هاپکرک، پیتر. (۳۷۹). *بازی بزرگ: عملیات سازمان‌های جاسوسی روس و انگلیس در آسیای مرکزی و ایران*. ترجمه رضا کامشاد. تهران: نیلوفر.
- هاردینگ، سر آرتور. (۱۳۶۳). *خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ*. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هامبلی، گاوین؛ ملویل، چارلز. (۱۴۰۰). *تاریخ ایران کمبریج*. ج ۷. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- Nouraei, Morteza. (2000). "Mashhad between 1890 and 1914: a socio_ historical study". PhD dissertation. University of Manchester.

اسناد

- اسناد منتشرنشده کنسول انگلیس در مشهد. (۱۹۰۸). شماره ۱۵.

References

- Ādamīyat, Fereydūn. (1970/1349). *The Thoughts of Mīrzā Faṭḥ 'alī Ākhūndzāda*. Tehran: Khwārazmī.
- Ādamīyat, Fereydūn. (2023/1402). *The Ideology of the Iranian Constitutional Movement*. Tehran: Goštara.
- Ābādīyān, Ḥusayn. (2006/1385). "British Policy in the Qajar Period." *History of Foreign Relations*, No. 29, pp. 237-249.
- Aubin, Eugène. (1983/1362). *Iran Today 1906-1907*. Trans., annotated, and explained by 'Alī Aṣghar Sa'īdī. Tehran: Zavvār Bookstore.
- *Iran and British Colonialism: Struggle, Resistance, and Victory*. (2009/1388). Tehran: Institute for Political Studies and Research.
- Bashīrī, Aḥmad. (1984/1363). *The Blue Book: Confidential Reports of the British Foreign Office on the Iranian Constitutional Revolution*. Tehran: Nashr-e Now.
- *The Great Islamic Encyclopedia*. (1991/1370). Entry "Bīglarbeygī." Ed. Kāẓim Mūsawī Bujnūrdī. Vol. 4. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Publishing Center.

- Stebbins, H. Lyman. (2024/1403). British Imperialism in Qajar Iran: Consuls, Agents, and Influence in the Middle East. Trans. Shahlā Ṭahmāsebi. Tehran: Cheshmeh.
- Sayyid Qutbī, Sayyid Maḥdī; Farīdūnī, Ḥasan ‘alī. (2017/1396). Contemporary History of Mashhad as Narrated by Muḥammad Iḥtishām Kāviyānīyān: From the Constitutional Revolution to 1961. Qom: Islamic Treasures Assembly.
- Shamīm, ‘Alī Aṣghar. (1991/1370). Iran During the Qajar Reign. Tehran: ‘Ilmī.
- Şihhat-Manish, Riḍā. (2022/1401). “Motives and Objectives of Establishing the British Consulate in Mashhad in the Qajar Era.” History of Islam and Iran, No. 143, pp. 101–127.
- ‘Ayn al-Saltāna, Qahramān Mīrzā. (1995/1374). The Diary of ‘Ayn al-Saltāna. Ed. Mas‘ūd Sālūr and Īraj Afshār. Tehran: Asāṭīr.
- Foran, John. (1999/1378). Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution. Trans. Aḥmad Tadayyun. Tehran: Rasā.
- Kāẓimzāda, Fīrūz. (1975/1354). Russia and Britain in Iran, 1864–1914: A Study of Imperialism. Trans. Manūchihr Amīrī. Tehran: Pocket Books Co. in collaboration with Franklin.
- Curzon, George N. (1994/1373). Persia and the Persian Question. Trans. Gh. Vaḥīd Māzandarānī. Tehran: ‘Ilmī Farhangī.
- Kasrawī, Aḥmad. (1984/1363). History of the Iranian Constitutional Revolution. Tehran: Amīr Kabīr.
- Lambton, Ann K. S. (1996/1375). Qajar Iran: Translation and Discourse on Iranology. Trans. Sīmīn Faṣīḥī. Tehran: Jāvīdān Khīrad.
- Murādī, Mas‘ūd; et al. (2012/1391). “The British Consulate in Mashhad and Its Role in Expanding British Influence in Southeastern Iran.” Research in History, No. 6, pp. 17–32.
- Malikzāda, Maḥdī. (2004/1383). History of the Iranian Constitutional Revolution. Tehran: Sukhan.
- Nūrā’ī, Murtaḍā. (2007/1386). The Role of Domestic Agencies of the Ministry of Foreign Affairs in Iran–Britain Relations (1890–1928/1308–1346 AH). Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Hopkirk, Peter. (2000/1379). The Great Game: On Secret Service in High Asia. Trans. Riḍā Kāmshād. Tehran: Nīlūfar.
- Harding, Sir Arthur. (1984/1363). The Political Memoirs of Sir Arthur Harding. Trans. Javād Shaykh al-Islāmī. Tehran: University Publishing Center.
- Hambly, Gavin; Melville, Charles. (2021/1400). The Cambridge History of Iran. Vol. 7. Trans. Tīmūr Qādirī. Tehran: Mahtāb.
- Nouraei, Morteza. (2000). “Mashhad between 1890 and 1914: a socio_ historical study”. PhD dissertation. University of Manchester.